

شنود نعمت یا نعمت؟

عباس عبدي

پیشرفت فناوری، انسان را به مرحله‌ای رسانده که توانایی اطلاع از چیزهایی را به دست آورده که در گذشته غیرممکن بود. فیلمبرداری‌های پنهان، یا از راه دور و شنودهای ثابت یا تلفنی و دیدن پنهانی اسناد و رصد شبکه‌های اجتماعی از این جمله‌اند. در کشورهای دارای حاکمیت قانون استفاده از این امکانات بسیار محدود و قانونمند است، ولی به تناسبی که از حاکمیت قانون دور شوند، امکان بهره‌مندی بیضابطه از این شیوه‌ها بیشتر می‌شود و این خطری است که روال عادی جامعه را تهدید می‌کند. در این یادداشت چگونگی این خطر را توضیح می‌دهم. پیش از آن باید موارد مشروع و منطقی انواع شنود را بدانیم. با پیشرفت فناوری، همان‌طور که حکومت‌ها به ابزار قدرتمندی برای کنترل جامعه تجهیز می‌شوند، مجرمان نیز توانایی انجام اقدامات پیچیده‌تر را علیه افراد و آسایش جامعه و حکومت‌ها به دست می‌آورند، خرابکاری‌های پیشرفته، جاسوسی و توطئه‌های امنیتی، از جمله این اقدامات است که با استفاده از ابزارهای جدید، پنهانی و راحت‌تر انجام می‌دهند. بنابراین دولت‌ها نیز وظیفه دارند با همین فناوری‌ها به رصد آنان مشغول شوند و آنان را شناسایی و بازداشت کنند. این مساله فقط برای اقدامات ضددولتی نیست، بلکه در دیگر اقدامات مجرمانه چون قاچاق انسان و مواد مخدر و اسلحه، فساد مالی و... نیز انجام می‌شود که شنود آنها قابل دفاع است مشروط بر اینکه همه در قالب قانون و زیر نظر دادگاه‌های مستقل انجام شود.

ولی انواع شنود (مکتوب، تصویری و صوتی و الکترونیکی) ظرفیت تبدیل شدن به يك فاجعه و نعمت (متضاد نعمت) بزرگ را دارد. جالب اینکه در ادبیات ایران این مساله در قالب داستانی جذاب در مثنوی مولوی به تصویر در آمده است. خواجه زیاده‌خواهی دوست داشت که زبان حیوانات را بداند، لذا خواسته‌اش را نزد موسی می‌برد و به‌رغم انذار موسی به او که این کار زیان دارد، در نهایت خداوند قدرت فهم زبان خروس و سگ را به او می‌دهد و از همین‌جا ماجرا آغاز می‌شود که یادگیری این زبان تا چه اندازه باعث خوشحالی و کسب منافع برای او شد، ولی طولی نکشید که به قیمت جان‌ش تمام شد. اینجا بود که خواجه از این درخواست مأیوس شد و با خود گفت: «ای‌کاش من هم زبان

حیوانات را نمی‌دانستم.» البته نتیجه‌ای نگرفت و جانش را فدای این هوس کرد، و دیگری که از اطلاعات ویژه او به دلیل آشنایی با زبان حیوانات زیان دیده بودند، در نهایت از این ماجرا بهره‌مند شدند. اگر فرصت کردید این داستان آموزنده را در اینترنت بخوانید. شنود نیز به نوعی بهره‌مندی از چنین توانایی است که ابتدای آن جذاب و سودآور جلوه می‌کند و اگر خارج از محدوده منطقی استفاده شود که در جوامع فاقد حاکمیت قانون سوءاستفاده می‌شود، بسیار زیان‌بار خواهد شد. اگر جلسات عادی یا تماس‌های معمولی یا زندگی متعارف و حتی غیرمتعارف افراد و مخالفان خود را شنود تصویری یا صوتی یا الکترونیکی کنیم و روزانه ساعت‌ها را صرف شنیدن و دیدن یا خواندن این شنودها کنیم، از جایگاه و درک یک انسان عادی و متعارف خارج می‌شویم. درک ما از دیگران و از خودمان و از محیط پیرامونمان، به شدت مخدوش و گلخانه‌ای می‌شود. سپس عدم تقارن اطلاعات میان افراد به وجود می‌آید. فرض کنید که ما از همه مواضع دوستانمان و حتی آنچه در ذهن آنان می‌گذرد مطلع باشیم، به‌طور قطع دچار مشکل روانی خواهیم شد. اگر انسان قدرت عظیم شنوایی یا چشایی و بینایی برخی حیوانات را داشته باشد، زندگی عادی او دچار اختلال می‌شود. ما باید با همین قدرت متعارف خود در زندگی، با دیگران تعامل کنیم. قدرتهای نامتعارف و مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته قطعاً اطلاعات و داده‌های جالبی را در اختیار ما می‌گذارند، ولی زندگی را جهنم و روابط افراد و حکومت با یکدیگر را از مسیر انسانی خارج می‌کند. قدرت یک سوئه حکومت‌ها در تسلط به محیط و مردم و کسب اطلاعات فراتر از نیاز متعارف و قانونی، بیش از آنکه آنها را قوام دهد، موجب هلاکت آنان خواهد شد. دستگاه مخوف اطلاعاتی اتحاد جماهیر شوروی نمونه روشن این ادعاست. حکومتی که پرنده‌ها نمی‌توانستند بدون اطلاع آن، از مرزهای چند هزار کیلومتری این کشور عبور کنند و کودکان، خبرچینی پدر و مادر را می‌کردند، همسران خبرچین یکدیگر بودند و... روزی که عمرش سر آمد و چه زود هم سر آمد، کار چندانی از آن اطلاعات برنیامد. جالب این است که یک سال پیش از فروپاشی این حکومت، کمتر کسی حتی گمان می‌کرد که آن حکومت میرا باشد! به نظر بنده ریشه بخش اعظم بی‌اطلاعی آن حکومت از جامعه‌اش، سلطه یک سوئه و نامحدود بر اطلاعات و رفتارهای متعارف مردمش بود که آن حکومت را از فهم واقعیات ضروری محروم کرد. حکومت مشغول به جمع‌آوری اطلاعات بی‌فایده بود و از اطلاعات مورد نیاز غافل شده بود.

منبع: روزنامه اعتماد 10 بهمن 1400 خورشیدی